



رخ می دهد، برادر و دیوار و خلأ این فضا نقش می بندد و برای ما تبدیل به خاطره جمعی می شود. در تقابل با مکان، فضایی که نتوان آن را هویت ساز، رابطه مند و تاریخی تعریف کرد، نامکان نامیده می شود. در نامکان فرد می تواند در عین حضور در جمع انسان ها تنها باشد و در یک موقعیت بی هویت شدگی نقش بازی کردن را تجربه کند.

انسان ها نیاز عمیقی به ایجاد ارتباط ذهنی با مکان های معنادار دارند، اما در نامکان ها این ارتباط حذف شده است و فرد آن را خانه خویش نمی داند. برای ساختن آن اراده ای نداشته، میل مشارکت به ساخت ندارد و نسبت به اتفاقات، مشکلات و مسائل شهری بی تفاوت است. نامکان ها محصول شهرسازی معاصر هستند که با از بین بردن ارزش ها و تحقیر گذشته و ترویج شهر ماشینی که سرعت، کلیدواژه ساختار روح آن است، ایجاد شده اند و نقش مکان را در هویت شهری نادیده گرفته و انسان برخاسته از این شهر را بدون تعلق مکانی به نوعی از خودبیگانگی دچار کرده است.

زمانی که مکان هویت خود را از دست بدهد، انسان دیگر نمی تواند با محیط خود احساس نزدیکی کند. نامکان جایی است که در آن خاطره، روابط اجتماعی پایدار و هویت شکل نمی گیرد. این پدیده برای شهروندان عدم تعلق به مکان، عدم تمایل به مشارکت و خشونت را به ارمغان آورده است. بحران های اجتماعی از بازنترین مشکلات شهرنشینی مردم معاصر است؛ بحرانی که در ایجاد فضاهای شهری فاقد هویت، تاریخ و فاقد ارتباط تبلور یافته است.

شهرنشینی مدرن در تضاد با تاب آوری

شهرهایمان بدشکل و بدقواره اند. این نامتناسی را می توان هم در بُعد عینی و هم در بُعد ذهنی شهر مشاهده کرد. شاخص های سرمایه اجتماعی مانند مشارکت و آگاهی قرار است لایه لای دیوارهای همین شهر شکل بگیرد. مطالعات نشان می دهد که سرمایه اجتماعی بیشتر منجر به توسعه خواهد شد. همچنین بین شاخص های تاب آوری مردم در شهر و سرمایه اجتماعی وجود دارد.

امیر خراسانی، جامعه شناس، درباره بی هویتی شهرها به «ایران» می گوید: «در بحث های هویتی سکونت، سه عامل تأثیرگذار است: یکی عامل تاریخ است. اساساً پیشینه زیستی تأثیرات هویتی دارد. وجود ارتباط مشخص با محیط، افراد و یا به عبارت بهتر شبکه ارتباطی که در گذشته بوده و تجربه زیسته را شکل داده، در شکل گیری هویت سکونتی مؤثر است. عامل بعدی، عمل اجتماعی است. افراد با کنش اجتماعی در محیط، حس تعلق به آنجا را پیدا خواهند کرد و هویت شکل خواهد گرفت.

عامل آخر وجود فضای جمعی است. در سکونت های جدید افراد از زمینه های تاریخی که متعلق به آن بودند، منفک شده و به محل جدید می روند. از طرفی کنش اجتماعی خاصی هم شکل نمی گیرد و از طرف دیگر این سکونتگاه ها از نمادها و فضاهای خاصی هم برخوردار نیستند، در نتیجه فضاهای جمعی هم وجود نخواهد داشت. به همین دلیل است که این سکونتگاه ها دچار معضل هویتی هستند.» بی هویتی، عدم تعلق و فقدان کنش اجتماعی در زیر پوست شهرهای ما در حال گسترش است.

این موضوع سبب می شود تا سرمایه اجتماعی مردم

شهرهایمان
بدشکل و
بدقواره اند. این
نامتناسی را
می توان هم در
بُعد عینی و هم در
بُعد ذهنی شهر
مشاهده کرد.
شاخص های
سرمایه اجتماعی
مانند مشارکت و
آگاهی قرار است
لایه لای دیوارهای
همین شهر شکل
بگیرد. مطالعات
نشان می دهد که
سرمایه اجتماعی
بیشتر منجر به
توسعه خواهد
شد. همچنین
بین شاخص های
تاب آوری مردم
در شهر و سرمایه
اجتماعی رابطه
مستقیم وجود
دارد

به محل زندگی و افراد دیگر نداشته باشند. لوییس مامفورد، (Lewis Mumford) (۱۹۶۱) شهرشناس آمریکایی، می گوید: «شهر تثبیتی از کنش های اجتماعی است.» وقتی فضای جغرافیایی بستری برای کنش اجتماعی و تجربه احساسات مشترک نباشد، دیگر نمی توان آن را شهر نامید، بلکه خوابگاه هایی برای مردمان عصر مدرن هستند که از شهر و دیار خود بیگانه اند. حال و روز اکنون ما شبیه فیلم عصر جدید، چارلی چاپلین است.

نظام صنعتی و ماشینی، ما را لای چرخ دنده های خود له می کند. استخوان های ما در میان دنده های مدرنیته شدن شهر در حال شکستن است و ما پناهی برای آرامش و سکنتی نداریم. همه اینها به زبان جامعه شناسی می شود وجود نداشتن هویت سکونتی!

نامکان محصول شهرسازی رایج

محل زندگی جایی است که انسان ضمن ارتباط ذهنی با آن، به تاریخ خود نیز متصل شده و معنایی را در فضای کلی شهر و تمدن خویش پیدا می کند. مکان برای انسان بستری از تعاملات و شبکه ای از ارتباطات را فراهم می سازد لذا هویت ساز است، هویتی که ریشه در حافظه جمعی دارد.

منظور از حافظه جمعی زندگی ای است که در طول تاریخ امتداد دارد و منقطع نیست. واقعه و حادثه ای که در فضا